

مقاله / فعالیت‌های امامی پس از کودتای ۲۸ مرداد

۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۵۰

در این دوره فعالیت‌های سیاسی امامی رو به فزونی می‌گیرد. چنانچه در مرداد ۱۳۳۶ در زمان نخست‌وزیری منوچهر اقبال که مسأله‌ی تشکیل حزب اکثریت به‌وسیله‌ی طرفداران دولت اقبال مطرح شد امامی به‌عنوان نماینده‌ی شاه با امثال سردار فاخر حکمت به گفتگو نشست. حتی آن‌گونه که بعضی اسناد نشان می‌دهند خود وی قصد تشکیل حزب را داشته که پس از مشورت با انگلیسی‌ها و مخالفت آنها از این امر صرف‌نظر می‌کند.

امامی که در جریان نهضت ملی نفت مقابله‌ی مستمری با مصدق داشت پس از کودتا از طرف شاه به عنوان سناتور انتصابی به سنا راه یافت هرچند فقط روز افتتاح در مجلس سنا حضور یافت و دیگر در جلسات علنی آن شرکت نکرد.^[۱] همچنین به منظور ترمیم وجهه‌ی شاه نزد روحانیون، هفته‌ای نبود که راهی قم نشود.^[۲]

در این دوره فعالیت‌های سیاسی امامی رو به فزونی می‌گیرد. چنانچه در مرداد ۱۳۳۶ در زمان نخست‌وزیری منوچهر اقبال که مسأله‌ی تشکیل حزب اکثریت به‌وسیله‌ی طرفداران دولت اقبال مطرح شد امامی به‌عنوان نماینده‌ی شاه با امثال سردار فاخر حکمت به گفتگو نشست.^[۳] حتی آن‌گونه که بعضی اسناد نشان می‌دهند خود وی قصد تشکیل حزب را داشته که پس از مشورت با انگلیسی‌ها و مخالفت آنها از این امر صرف‌نظر می‌کند.^[۴] بعدها این حزب با نام ملیون به رهبری خود اقبال تشکیل شد. به نظر نقش سیاسی امامی در این دوره را باید عمدتاً در قلمرو جمعیت‌ها و گروه‌های پشت صحنه و تأثیرگذار جستجو کرد: «نخستین دسته از این گروه‌ها، جمعیت برادران بود که در رأس آن دکتر سیدحسن امامی قرار داشت... در واقع هسته‌ی اول این جمعیت از سالها پیش شکل گرفته بود. در آن سالها این جمعیت سعی داشت از طریق نزدیک شدن به چند تن از افسران عالی رتبه‌ی ارتش موقعیت خویش را در جامعه تحکیم و تسجیل نماید. در ماجرای کودتای بیست و هشتم مراد نیز این تجربه آموخته شده بود. در آن دوره افسران نزدیک به امامی توانسته بودند در عملیات براندازی مصدق نقش مهمی ایفاء نمایند. هدف ظاهری این گروه تحکیم اصول برادری و برقراری وفاق اجتماعی در بین مردم و رجال سیاسی کشور بود. یعنی این که امامی تشکیلات خود را گروهی سیاسی نمی‌دانست و در عوض مدعی بود که این جمعیت را برای تحکیم مودت و حسن ارتباط با رجال کشوری و لشکری به وجود آورده است. لیکن در واقع امر این گروه اهدافی سیاسی را در سر می‌پروراند و عمده‌ترین هدف آن جلوگیری از به قدرت رسیدن گروهی نوحاسته بود که آشکارا با حمایت‌های آمریکا در صدد آن بود که قدرت سیاسی را در کشور به دست آورد و راهی

جدید در شکل‌گیری مناسبات ایران با ایالات متحده بگشاید. جمعیت برادران در دوره‌ی نخست‌وزیری دکتر اقبال بیش از پیش بر فعالیت‌های خود افزود. این جمعیت که در ظاهر امر با برخی دیگر از گروه‌های سنتی طرفدار سیاست‌های بریتانیا تفاوت داشت در این دوره تشکیلات قدرتمندی را سازماندهی کرده بود و از طریق شخص امام جمعه با اقبال روابط بسیار خوبی به هم زده بود. برخلاف عده‌ای که شعارهای اقبال مبنی بر این که وی چیزی بیش از غلام خانه زاد شاه نیست - امری که خود اقبال بر آن تأکید می‌کرد - را حمل بر این می‌کردند که اقبال در واقع مجری منویات شخص شاه است و البته امامی در این گروه جای داشت. عده‌ای دیگر این شعار را برای آینده‌ی سلطنت ایران مضر تشخیص می‌دادند. زیرا معتقد بودند که مردم عملکردهای دولت را به حساب شاه می‌گذارند و این بدان معنی است که شاه با کلیه‌ی کارهای نخست‌وزیر روی موافق دارد. تحلیل عده‌ای این بود که اگر این تلقی در بین توده‌های مردم و گروه‌های سیاسی جا افتاد هر بحرانی که دولت اقبال را تهدید کند به حساب شاه نوشته می‌شود و در آن صورت فقط ضعف اقبال به حساب دربار گذاشته خواهد شد. امری که مخاطرات فراوانی را در پیش‌رو خواهد داشت. امامی این‌گونه نبود. وی دولت اقبال را نه تنها مورد حمایت بی‌چون و چرا قرار می‌داد بلکه این‌گونه به ذهن متبادر می‌شد گویا وی با رئیس دولت روابطی بیش از دوستی‌های متعارف دارد. امامی مردی زیرک بود و از ماهیت بازی کودکانی شاه آگاه به همین دلیل در کنار روابط صمیمانه با اقبال با علم رهبر حزب مرم و رقیب حزب ملیون نیز روابطی حسنه داشت. اگرچه بیشترین تلاش جمعیت برادران مصروف حمایت از نخست‌وزیر می‌شد اما این امر دلیل بر آن نبود که وی روابط خود را با مرد قدرتمندی مثل علم به هم بزند. از نظر امامی بین اقبال و علم چندان تفاوت محسوسی دیده نمی‌شد زیرا هر دو تن صیانت از قوت مطلقه‌ی شاه را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده بودند و اصلاً هر دو گروه به اشاره‌ی شخص شاه فعالیت سیاسی را آغاز کرده بودند. جمعیت برادران به وسیله‌ی یک کمیته‌ی چند نفری اداره می‌شد. این کمیته طرفداران امامی را مخیر کرده بود که در هر کدام از احزاب دولتی که خود تشخیص می‌دهند وارد کار شوند و کار سیاسی نمایند. هدف این گروه کوچک مافیایی نفوذ در ارکان تصمیم‌گیری‌های سیاسی بود و از همین طریق توانسته بود برخی پست‌های دولتی را در اختیار طرفداران خود قرار دهد. افرادی مثل امامی به اصالت تلاش و تکاپوی آشکار سیاسی چندان اعتقادی نداشتند. این افراد زیر و بم اوضاع را در جوامعی مثل ایران زیر نظر داشتند و تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی و اجتماعی را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده بودند. در مقام عمل این گروه‌ها از احزاب سیاسی که آشکارا در صحنه‌ی سیاسی کشور حضور داشتند مؤثرتر بودند زیرا می‌دانستند پاشنه آشیل گروه‌های سیاسی در کجاست و از چه طریقی می‌توان این احزاب را در موقعیت مناسب بر سر جای خود نشانند» [۵]

در چهارم آبان ۱۳۴۶ یعنی همان سالی که سیدحسن امامی به درخواست خود از تدریس در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران با درجه‌ی استاد ممتاز بازنشسته شد مراسم تاجگذاری شاه و فرح و ولیعهد در کاخ گلستان انجام پذیرفت. در این مراسم امامی قبل از همه‌ی مقامات مملکتی اجازه‌ی سخن می‌یابد و خطابه‌ای غراء به زبان عربی ایراد می‌کند که در منابعی مثل کتاب «ارگ سلطنتی» به طور کامل نقل شده است.

پی نوشتها

[i] جعفر مهدی‌نیا، زندگی سیاسی رزم‌آرا، انتشارات پاسارگاد، چاپ دوم ۱۳۶۴، صص ۱۰۱-۱۰۰

[ii] مسعود بهنود و محمود شروین، دولت مستعجل، انتشارات علمی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۴، ص ۳۶۴

[iii] حزب ملیون به روایت اسناد، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴، صص ۴۰-۳۵

[iv] ۸۸۱۱۱۶۰۲۲۲ خبر شماره ۱۶/۱۱/۱۳۸۸، تاریخ Farsnews.com [۴].

[v] حسین آبادیان، دو دهه‌ی واپسین حکومت پهلوی، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۷، صص ۱۰۱-۱۰۰ و ۱۱۶ و ۱۷۴

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۱۹۹۹۸/مقاله-کودتای-امامی-های-فعالیت-مقاله/۱۹۹۹۸>